



دانشگاه لرستان

شاپای الکترونیکی: ۳۹۶۳-۲۳۸۳

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات

<http://koran.lu.ac.ir>



مقاله پژوهشی

## تجلی قرآن کریم و حدیث در سروده‌های غلام‌رضاخان ارکوازی

سیدآرمان حسینی آبیاریکی<sup>۱\*</sup>؛ علیرضا شهرستانی

<sup>۱\*</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

### اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۲۷ شهریور ۱۳۹۹

پذیرش نهایی:

۱۴ بهمن ۱۳۹۹

### چکیده

تأثیر قرآن کریم و حدیث در سروده‌های شاعران کُرد قابل توجه است؛ آن چنان که اشعار این شاعران، سرشار از الهامات قرآنی، احادیث قدسی و نبوی و نیز مفاهیم عمیق عرفانی است. سروده‌های غلام‌رضاخان ارکوازی - از شاعران نامی کُرد در قرن سیزدهم هجری قمری - سرشار از مفاهیم قرآنی، حبّ اهل بیت (علیهم‌السلام) و نیز مضامین پُربار عرفانی است. ارکوازی مانند برخی از شاعران، نخواستنه که تنها با زیور آیات و احادیث اشعار خویش را بیاراید، بلکه کلام الهی و سخنان گهربار ائمه (علیهم‌السلام) با ذهن و ضمیر او عجین شده است. از آنجایی که سروده‌های شاعر، به عنوان یک مأخذ ارزنده در پژوهش‌های شیعی و عرفانی، می‌تواند حائز اهمیت باشد، بنابراین در این جستار سعی بر آن است تا به روش تحلیل عقلانی محتوا به اختصار درباره‌ی شاعر و زبان شعری او مطالبی ذکر شود، سپس ضمن بیان پیشینه‌ی تحقیق، تأثیر قرآن و حدیث در بخشی از سروده‌های او بررسی شود. نتیجه اینکه شاعر به صورت‌های گوناگون از جمله اقتباس، ترجمه و برآیندسازی از آیات و احادیث تلمیح به داستان پیامبران در سروده‌های خود بهره برده است.

### واژگان کلیدی:

غلام‌رضاخان ارکوازی، شعر

کُردی، قرآن، حدیث.

<sup>۰</sup> نویسنده مسئول

پست الکترونیک نویسندگان: [alirezashahrestani@gmail.com](mailto:alirezashahrestani@gmail.com) ; [arman.hosseini@yahoo.com](mailto:arman.hosseini@yahoo.com)

استنادی به مقاله:

حسینی آبیاریکی، سیدآرمان، شهرستانی، علیرضا (۱۴۰۰). تجلی قرآن کریم و حدیث در سروده‌های غلام‌رضاخان ارکوازی، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۹)، صص ۱۴۳-۱۵۶.



Doi:10.52547/koran.6.1.143

## ۱. مقدمه

### ۱.۱. بیان مسأله

غلام‌رضاخان ارکوازی در اواخر قرن دوازدهم هجری در «سرچفته» جزوی از «چوار»، از توابع شهرستان ایلام، چشم به جهان گشوده است. شاعر در محیط عشایری در خانواده‌ای نسبتاً مرفه و باسواد پرورش یافته و خط و سواد، قرائت قرآن و پاره‌ای مواد درسی معمول آن عصر را در نزد پدر و دیگر ملاهای زادگاه خود آموخته است. سال‌ها پیش از سرودن «مناجات‌نامه» [از آثار شاعر]، غلام‌رضاخان به ریاست ایل خود مشغول بوده و با دم و دستگاه والی (= حسن خان) ارتباط نزدیک داشته است. پس از مدتی، دوستی و همکاری والی و شاعر به دشمنی و عناد مبدل می‌شود. حسن خان، غلام‌رضاخان را به زندان می‌افکند و او را با غل و زنجیر مقید می‌کند. باور عامه بر آن است که بر اثر توسل و الحاح و ابرام شاعر، کرامت شاه ولایت، زنجیرها را از دست و پایش می‌گسلد و از زندان رهایی‌اش می‌دهد. شاعر پس از رهایی از زندان، به غربت می‌گریزد و در غربت نیز وفات می‌کند. از او آثاری چون «مناجات‌نامه» (بیست و چهار بند که در زندان سروده شده است)، «باوه‌یال» (در رثای فرزند جوانش احمدخان)، «شعر خریوی» (= غربت) و اشعار تغزلی منسوب به او به جای مانده است. (ارکوازی، ۱۳۸۶: ۲۱-۳۲)

در مناطق غرب کشور، مردم به گویش‌های لکی، کُردی کرمانشاهی، کلهری، فیلی و گویش‌های آمیخته از دو گویش لکی و کُردی کرمانشاهی (همچون گویش خاص مردم صحنه، گُلپایی، بدره و...) به تکلم می‌پردازند. تا چند دهه پیش، گویش ادبی معیار در نزد بیشتر گویشوران کُرد- به ویژه حوزه‌ی جنوبی مناطق کُردنشین- گویش گورانی بوده است؛ پس چندان دور از ذهن نخواهد بود که شاعران لک، کلهر، فیلی و... به این گویش شعر سروده باشند. غلام‌رضاخان

ارکوازی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است؛ او نیز به گویش گورانی شعر می‌سروده، اما بسامد واژگان فیلی و کلهری در سروده‌های او چشمگیر است. (برای آشنایی بیشتر با گویش گورانی ر.ک: امامی و حسینی آباریکی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۳۵-۳۴۸)

بدون تردید از جمله عوامل رواج ادب و فرهنگ عربی در بین ایرانیان- به ویژه مردمان غرب کشور که لهجه‌ی محلی داشته‌اند- توجه به قرآن و احادیث بوده است. «قرآن از دیدگاه بلاغی و هنری، دل از همگان می‌رباید و آن‌ها را شیفته و بهت‌زده می‌سازد. قرآن از معارف، معانی و مبانی چنان سرشار است که بر جان و دل‌ها می‌نشیند و اندیشه و عاطفه را سیراب می‌کند.» (راستگو، ۱۳۸۵: ۴)

از آنجا که قرآن کریم پیوسته برای شاعران معیار سخن فصیح و بلیغ بوده است، بنابراین آنان می‌کوشیده‌اند تا الفاظ، مفاهیم، دقایق و اشارات قرآنی را در نوشته‌های خویش به کار برند. شاعران کُرد نیز که انس و دل‌بستگی خاصی با معارف اسلامی داشته‌اند، سروده‌هایشان پُر از مضامین و معانی الهی است. ارکوازی نیز از جمله‌ی این شاعران است که آیات و احادیث در اشعارش چشم‌گیر و به‌خوبی نمایان است. برخی از مردم که اغلب با ادبیات عرب ناآشنا بوده‌اند، از طریق سروده‌های ارکوازی و دیگر شاعران کُرد، با مفاهیم قرآنی آشنا می‌شده‌اند و با این معانی والا انس می‌گرفته‌اند.

### ۱.۲. پیشینه‌ی تحقیق

در مورد تأثیر مفاهیم قرآنی و نیز تجلی آیات و احادیث در اشعار محلی غرب کشور پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله: مقالات «تأثیر قرآن و حدیث در شعر ملاحقعلی سیاه‌پوش»، از علی‌اکبر مرادیان و علی عباس رضایی نورآبادی؛ «تأثیر قرآن بر شعر ملاپریشان»، از علی عباس

بی‌همتا: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (الاحلاص: ۴) (و نه هیچ کس مثل و همتای اوست).

بینا: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (البقرة: ۲۳۳) (و بدانید که خدا از کردار شما آگاه است).

یا پناهی مخلوق سه پنج سه هزار  
طیب مریض، مخفی آشکار

(ارکوازی، همان‌جا)

yā panāy maxlūq se panj se hezār / tabīb-e-marīz maxfī āšekār.

ترجمه: ای پناه مخلوقان و آفریدگان عالم؛ و ای که برای بیماران طیب هستی! با این که از چشمان پنهانی، اما قدرت و نشانه‌های تو پدیدار است.

مخفی آشکار: اشاره به «الْأَنْعَامُ» (۱۰۳) (دیدگان او را در نیابد و او دیدگان را دریابد).

یا رب سبع سما و لوح و قلم  
یا خالق ارض سبعة تا و یم

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۱)

yā rabb-e- sabba' samāw law qa'ām / yā xāleq-e- arz sabb'a tā wa yam.

ترجمه: ای خداوندی که آفریدگار آسمان‌های هفت‌گانه و لوح و قلم هستی و ای خدایی که هفت اقلیم و دریاها را آفریدی!

رب سبع سما و...: به روشنی به سبع شداد و سبع طباق اشاره شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقرة: ۲۹) (اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را

رضایی نورآبادی؛ «تأثیر قرآن و حدیث بر ادبیات بومی لرستان»، از علی همت دارایی اصلاتی؛ «تجلی آیات و احادیث در سروده‌های ترکه‌میر آزادبخت»، از سید آرمان حسینی آباریکی که در همایش کله‌باد (۱۳۹۰) در دانشگاه لرستان ارائه شده‌اند، اما تاکنون اشعار غلامرضاخان ارکوازی از این دیدگاه بررسی نشده است، بنابراین پرداختن به این امر ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲. تجلی قرآن و حدیث در اشعار ارکوازی

در جای‌جای سروده‌های غلامرضاخان، تجلی قرآن و حدیث و نیز مضامین و اصطلاحات عرفانی مشهود است؛ اکنون بایسته است سروده‌های شاعر از لحاظ به‌کارگیری آیات قرآنی و نیز احادیث اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بررسی شود.

علی	کل	حال <sup>۱</sup>				
یا	لا	لم	یزل	علی	کل	حال
یا	لا	لم	یزل	بی	همتا و	زوال
یا	بینای	بی‌عیب	دارای	بلند	مال	

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۱)

'alā kol-e- hāī / yā lā lam yazaī 'alā kol-e-hāī,

yā lā lam yazaī bē hamtāw zawāī / yā bīnāy bē 'ēb dārāy boīand māī.

ترجمه: ای خداوند جاوید که بر همه‌ی احوال و بر همه چیز احاطه داری! ای خدایی که همتا و نظیری برای تو متصور نیست؛ ای بینایی که بدون عیبی و دارایی سرایی بلندمرتبه هستی!

غافر: با همان مضمون آیه پیشین، اشاره به «غافرِ الذَّنْبِ و قابل التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطُّوْلِ» (الغافر: ۳) (آمرزنده‌ی گناه و توبه‌پذیر سخت کیفر نعمت بخش).

قادر	مدیر	لیل	چنی	نهار
فضابخش	فیض	روضات	بهار	

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۲)

qāder-e- modīr layl čanē nahār / fazā baxš-e- fayz rawzāt-e- bahār.

ترجمه: ای قادری که اراده‌کننده شب و روز هستی و ای کسی که به باغ‌های بهار فیض بخشیده‌ای!

قادر: «إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶) (شب را در روز نهان سازی و روز را در شب ناپدید گردانی). و نیز: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ يُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (الأنعام: ۶۵) (بگو او تواناست که بر شما عذاب و بلایی از آسمان یا زمین (فرستد)؛ یا شما را به اختلاف کلمه، پراکندگی و (مخالفت) در افکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند. بنگر چگونه ما آیات خود را به طرق مختلف بیان می‌کنیم، باشد که مردم چیزی بفهمند).

مصراع نخست اشاره می‌کند به «یا مدبّر اللیل و النهار».

یا	عالم	علم	عالمان	دهر
حکوم	تاج‌بخش	شاهان	سرور	

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۲)

yā 'ālem-e- 'elm 'ālemān-e- dahr / hokūm-e- tājbaxš šāhān-e- sarwar.

ترجمه: ای که داننده دانش دانشمندان روزگار هستی و به پادشاهان مقتدر و بزرگ تاج حکومت بخشیده‌ای.

برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست).

و نیز: «الحمد لله الذي خَلَقَ السموات و الارض» (الأنعام: ۱) (ستایش خدای راست که آسمان‌ها و زمین را آفرید).

مرید	مُدْرِك	ارحم	راحمین
خالق	مخلوق	بی‌همتا	و قرین

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۱)

morīd-e- modrek arham rāhemīn / xāleq -e- maxlūq bē hamtāw qarīn.

ترجمه: ای اراده‌کننده و ای دریابنده! ای مهربان‌ترین مهربان‌ها و ای خالق بی‌همتا و همسری که خلق را آفریدی!

ارحم راحمین: «فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَ هُوَ اَرْحَمُ رَاحِمِينَ» (یوسف: ۶۴) (اما خداوند بهترین نگهبان است و همو مهربان‌ترین مهربانان است).

بی‌همتا: اشاره به: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (الإخلاص: ۴) (و نه هیچ کس مثل و همتای اوست).

غفور	لايزال	غافر	لم يزل
واجب الوجود	واحد	بی	بدل

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۱)

qafūr lā yazāl qāfer lam yazāl / wājeb-ol-wejūd wāhed bē badaʾ.

غفور: گزاره‌ای قرآنی است و می‌تواند اشاره داشته باشد به «ان الله يغفر الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (الزمر: ۵۳) (خدا همه گناهان را می‌بخشاید).

راضی شده و در اطراف آن و معتقدات خود افسانه‌سرایبی کرده‌اند. «خرمشاهی، ۱۳۸۵: ۶۸۲» در توضیح باید گفت که «این حدیث با عبارات گوناگون نقل شده و گاه به جای هفتاد و سه، هفتاد و دو یا یک، یا هفتاد و اند یاد شده است.» (همان: ۶۷۹)

مصراع دوم اشاره به این دارد که هیچ کس نمی‌تواند به ذات خداوندی پی ببرد و یا او را آن‌چنان که هست، بشناسد؛ پس اشاره دارد به حدیث «لَأُحْصَى ثَنَاءُ عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ» (مرا این توان نیست که تو را ستایم و تو همان‌گونه‌ای که خود را ستوده‌ای). (فروزانفر، ۱۳۴۷: ۲)

کس	نین	شربک	یاوری	یارت
کسی	ندارو	اطلاع	ژ	کارت

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۲)

kas neyan šarīk yawarī yāret / kasī nadārū etlā' ža kāret.

ترجمه: هیچ کس در یاری رساندن تو، شربک نیست و نیز کسی از کار تو اطلاعی ندارد.

مصراع نخست دلالت دارد بر: «وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْذُ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَّلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا» (الإسراء: ۱۱۱) (و بگو ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی و نه شریکی در ملکش برگرفته و نه هرگز عزت و اقتدار او را نقصی رسد که به دوست و مددکاری نیازمند شود و پیوسته ذات الهی را به بزرگ‌ترین اوصاف کمال ستایش کن).

مصراع دوم نیز اشاره می‌کند به آیه «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ» (الأنعام: ۵۹) (و کلید خزائن نزد خداست، کسی

عالم علم: اشاره به آیات بی‌شماری و از جمله: «وَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (آل‌عمران: ۲۹) (خداوند] به هر آنچه در آسمان‌ها و زمین است، آگاه است).

حکوم: بیانگر آیه «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ» (التین: ۸) (آیا خدا مقتدرتر و عادل‌ترین حکم‌فرمایان عالم نیست) البته هست).

هفتاو	دو	مَلَّتْ	ایجادت	كَرَدَن
کس	پی	وَ	سَرَّ	نَوْرَدَن

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۲)

haftāw do mellat ijādet kardan / kas pē wa serr-e- kāret nawardan.

ترجمه: تو هفتاد و دو ملّت و فرقه را ایجاد کرده‌ای؛ کسی پی به اسرار و کار تو نبرده است.

هفتاد و دو ملّت: اشاره به حدیث معروف پیامبر است که به هفتاد و سه فرقه دلالت می‌کند؛ ولی در ادبیات به هفتاد و دو شهرت پیدا کرده است؛ چنان‌که حافظ می‌فرماید: «جنگ هفتاد و دو ملّت همه را عذر بنه / چو ندیدند حقیقت ره افسانه زدند»؛ پیامبر می‌فرماید: «ان امتی ستفرق بعدی علی ثلثه و سبعین فرقه، فرقه منها ناجیه، و اثنتان و سبعون فی النار» (همانا امت من، پس از من به هفتاد و سه فرقه پراکنده خواهند شد؛ فرقه‌ای از آن‌ها رستگار و هفتاد و دو فرقه دیگر در دوزخ خواهند بود). (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۳۵۹-۳۶۰) بهاء لدین خرمشاهی در توضیح بیت حافظ می‌نویسد: «حافظ در نظر به حدیث تفرقه یا افتراق امت، قائل به «هفتاد و دو» بوده است، نه «هفتاد و سه» یعنی به فرقه ناجیه معتقد نبوده است و بر آن بوده است که همه فرقه‌ها و ملل و نحل با دیگر فرقه‌ها یا دیگر ادیان منازعه و جنگ و جدل ناشی از تعصب و ندیدن حقیقت دارند. راه به حقیقت نبرده، لذا به چیزی کمتر از حقیقت، یا بلکه مجاز

ترجمه: [ای] زنده‌ای که تو را خواب فرا نمی‌رسد و ای بینایی که زوالی برایت متصور نیست؛ ای یکتای بی‌نظیری که نمی‌توان صفات خوردن و خوابیدن را برایت به کار برد!

حی لاینام: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (البقرة: ۲۵۵) (جز او خدایی نیست، زنده و پاینده است؛ هرگز او را کسالت خواب فرو نگیرد تا چه رسد که به خواب رود).

قاهر العدو	قیوم	لا یزل
خالق	مخلوق	بی‌خلل
	یکتای	

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۳)

qāher-ol- 'adū qayūm lā yaza' / xāleq-e-maxlūq yaktāy bē xa'alā.

ترجمه: در هم شکننده دشمن، و سرمد و پاینده هستی؛ تو آفریننده آفرینندگان و یگانه‌ای بی‌خللی.

قاهر: از صفات خداوند است که در آیه‌های بی‌شماری آمده و از جمله: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ، لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (الغافر: ۱۶) (امروز پادشاهی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهر کننده است).

خالق: «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ» (الأنعام: ۱۰۲) (جز او هیچ خدایی نیست و آفریننده و هر چیز اوست، پس او را ستایش کنید).

نوربخش	جَلَاي	شمس	و	القمر
قاضی الحاجات	مالک	محشر		

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۳)

nūrbaxš-e- jalāy šams-e- walqamar / qāzī-yol- hājāt mālek-e- mahšar.

جز خدا بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می‌داند و هیچ برگی از درخت نیفتد مگر آنکه او آگاهست و هیچ دانه در زیر تاریکی‌های زمین و هیچ تر و خشکی نیست جز آن که در کتاب مبین (و قرآن عظیم) مسطور است).

حضرت امام سجاد (ع) نیز فرموده است: «اللّٰهِي قَصْرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بَلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ وَ عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ وَ انْحَسَرَتِ الْإِبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى سُبْحَاتِكَ وَ جِهَكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِكَ» (خدایا! زبان‌ها از این گونه که تو را آن گونه که شایسته جلال توست بستایند، کوتاهند و خردها از این که بر کنه جمال تو دست یابند، ناتوانند؛ و چشم‌ها در برابر جلوه‌های جمال تو خیره و تیره می‌گردند، و تو جز ناتوانی از شناخت، راهی برای شناخت خود برای مردمان ننهادی.) (قمی، مفاتیح‌الجنان، ۱۳۷۷: ۲۱۹)

رازق	رازق	یا	رازق
رزق	رازق		رازق

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۳)

rāzeq-e- razāq / yā rāzeq-e- rezq rāzeq-e- razāq.

رازق: «وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ» (الجمعة: ۱۱) (و خداوند بهترین روزی‌دهنده خلائق است).

حی	لاینام	بینای	لم یزل
بی‌خورد	و	بی‌خواو	بی‌بدل

(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۳)

hayy-e- lā yanām bīnāy lam yaza' / bē xward-o- bē xāw yaktāy bē bada'.

ترجمه: ای فروغ‌بخش خورشید و ماه و برآورنده نیازها، و صاحب و سرور در صحرای محشر.

مصراع دوم اشاره دارد به «اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل‌عمران: ۱۴۶) (خداوند صابران را دوست دارد).

مصراع نخست بیانگر آیه ذیل است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (النور: ۳۵) (خدا نور (وجودبخش) آسمان‌ها و زمین است).

باب رحمت ملجای عبادن  
لا تقنط نه روی عباد گشادان  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۴)

مصراع دوم نیز اشاره دارد به «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» (الحمد: ۴) ("او" صاحب روز پاداش بندگان است).

bāb-e- rāhmatet maljāy ebādan / lataqnat  
na rūy ebād gošādan .

عصیان کبیرن عسرت بی شمار  
ربنا اغفرلی توبه و استغفار  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۴)

ترجمه: آستانه رحمت تو پناهگاه بندگان است؛ تو با گفتن این که: از رحمت الهی ناامید نباشید، در حقیقت دری از امید بر روی بندگان گشاده‌ای.

osyān kabīran 'esrat bē šomār /  
rabbenaqferlī tawbāw esteqfār.

ترجمه: سرکشی و نافرمانی و دشواری کار من بسیار و بزرگ است؛ ای پروردگار مرا ببخش و توبه و استغفارم را بپذیر.

لا تقنط: اشاره به آیه «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ  
الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (الزمر: ۵۳) (هرگز از رحمت (نامنتهای حق) ناامید مباشید؛ البته خداوند همه گناهان شما را خواهد بخشید).

پادشای عادل ذوالجلالنی  
عالمی، آگای گل حالنی  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۵)

ربنا اغفرلی: مراد دعای حضرت ابراهیم (ع) است که فرمود: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» (ابراهیم: ۴۱) (پروردگارا روزی که میزان عدل و حساب به پا می‌شود، تو در آن روز سخت بر من و والدین من و همه مؤمنان از کرم ببخشا).

pādešāy-e- ādeī zoījalāfānī / ālemī āgāy kwll-  
e- hāfānī.

ترجمه: خداوندا تو پادشاهی عادل و صاحب شکوه هستی و بر همه چیز علم داری و آگاهی.

قوت نمندن یا بینای مبین  
یا من یحِبُّ من الصابرين  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۴)

ذوالجلال: جلاله بزرگی قدر است و جلال بدون تاء به معنی بالاترین عظمت است و از صفات مخصوص خداوند است و در غیر او به کار نرفته است. (قرشی، ۱۳۷۵: ذیل جلال) در قرآن مجید «ذوالجلال» همراه با «ذوالاکرام» دو مرتبه (الرحمن: ۲۷-۲۸) آمده است.

qowat namandan yā bīnāy mobīn / yā men  
yohebo menalsāberīn.

ترجمه: قدرت صبر و صبوری برای من نمانده است ای که بصیر و آشکارکننده هستی و ای که شکیبایان را دوست داری.

مصراع دوم به همین صورت بارها در قرآن کریم آمده است؛ از جمله: «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (فاطر: ۱) (همانا خداوند بر همه چیز قادر است).

یا قابل التوب، غافر الخطا  
یا لطیف لطف واهب الخطا  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۷)

ترجمه: ای پوزش‌پذیر در گذرنده از لغزش‌ها و ای لطیف بخشنده.

مصراع اول اشاره دارد به آیه «غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ» (الغافر: ۳) (خدایی که بخشنده گناه و پذیرنده توبه بندگان (با ایمان) و منتقم سخت (از بندگان بی‌ایمان) است؛ خدایی که صاحب رحمت و نعمت است).

شاعر در جایی دیگر نیز سروده است:

من عبد ذلیل، عصیان بی حساب  
تو قابل التوب، شدید العقاب  
(ارکوازی، همان: ۴۷)

men abd-e- zalīl osyān bē hesāb / to qābel-  
al-tawb šadīd-ol- eqāb.

ترجمه: من بنده‌ای ذلیل هستم که بی‌شمار عصیان و گناه کرده‌ام و تو خداوند توبه‌پذیری هستی که تنها بر بندگان بی‌ایمانت سخت می‌گیری [حال که من هر چند گناهکارم، اما به تو ایمان دارم].

ربّ العالمین  
قادر قیوم رب العالمین  
ذکر ن کلام مجید مبین  
آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۹)

«و یبقی وجهُ ربِّکَ ذوالجلال و الاکرام» (الرحمن: ۲۷)  
(ذات پروردگارت ماندنی است که صاحب عظمت و اکرام است). غلامرضا ارکوازی در جای دیگر سروده است:

تو ربّ رحیم رحمت عامنی  
دانای ذوالجلال و الاکرامنی  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۷)

to rābb-e- rāhīm rāhmat āmanī / dānāy  
zoījaāī walekrāmanī.

آگای کل حال: به «علیم» بودن خداوند اشاره دارد که در آیه‌های بی‌شماری از کلام الله آمده است؛ از جمله: (البقره: ۲۸۲)، (النساء: ۱۷۶)، (الأنعام: ۱۰۶)، (الأنفال: ۷۵)، (التوبة: ۱۱۵)، (النور: ۳۵-۶۴) و...؛ «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره: ۲۸۲) (و خدا بر همه چیز داناست).

نیز: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ» (القلم: ۷) [البته خدا داناتر است که از راه خدا گمراه کیست و بهتر می‌داند که هدایت‌یافتگان کی‌تند].

یا فرد واحد بینای بی‌نظیر  
یا قادر علی کل شیءٍ قدیر  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۴۶)

yā fard-e- wāhed bīnāy bē nazīr / yā qader  
alā kol šeyen qadīr.

ترجمه: ای خداوندی که یگانه و بینا و بی‌مانند هستی، و ای خداوند قادری که بر همه چیز توانایی.

مصراع اول به «احد» بودن خداوند (اخلاص: ۱) و نیز بی‌مثل و مانند بود ذات حق اشاره دارد: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۱۱) (همانند او چیزی نیست).



بعد از من رسول بزرگواری که نامش در انجیل من احمد است،  
بیاید).

وَ تَسْبِيحُ گویان دایره افلاک  
حَقِّ معرفت و ما عرفناک  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۱)

wa tasbīh gūyān dāyeray aflāk / haq marefat  
wa mā arafnāk .

ترجمه: به فرشتگانی که در آسمان‌ها تو را می‌ستایند و یاد  
می‌کنند و به حق این عبارت که: تو را آن‌چنان که شایسته  
توست، نشناختیم.

و ما عرفناک: بخشی از حدیث معروف «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ  
مَعْرِفَتِكَ» (خداوندا تو را آن‌چنان که شایسته بود، نشناختیم.)  
(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۶: ۲۹۲ به نقل از خاتمی، ۱۳۸۷: ۲۷۵)

وَ زور بازوی یدالله علی  
اشرف زُ تَفْسِيرِ انما ولی  
(ارکوازی، همان‌جا)

wa zūr-e- bāzūy yadollā alī / ašraf ža tafsīr  
ennamā valī .

ترجمه: قسم به دلاوری و زور بازوی علی یدالله که آیه  
ولایت «انما ولیکم و...» در شأن او آمده است.

انما ولی: منظور آیه‌ی ولایت است که «بیانگر ولایت خدا  
و رسول و برخی از مومنان است که در حال رکوع، زکات و  
صدقه می‌دهند و چون طبق نقل متواتر، آن که در حال رکوع  
در مسجد به فقیری که در خواست کمک کرد، انگشتر خود  
را بخشید، امیرالمؤمنین علی (ع) بود و پس از این اتفاق  
خالصانه، این آیه بر پیامبر نازل شد؛ از آیات خاص امامت و  
ولایت علی (ع) به شمار می‌رود» (محدثی، ۱۳۸۶: ذیل آیه

rabbe'l'ālāmīn/ qader-e- qayūm  
rabbe'l'ālāmīn,

zekran na kalām majīd-e- mobīn / āyay  
ennallā ma al sāberīn.

ترجمه: ای پروردگار جهانیان و ای قادر قیوم! در قرآن مجید  
ذکر شده است که خداوند با صابران است.

رب العالمین: بنابر شمارش المعجم المفهرس، رب العالمین  
چهل و دو بار در قرآن آمده است؛ از جمله: (البقرة: ۱۳۱)،  
(المائدة: ۲۸)، (الأعراف: ۵۴) و...؛ برای نمونه: «الحمد لله ربَّ  
العالمین» (الفاتحة: ۲) ستایش خدای را که پروردگار جهانیان  
است و آفریدگار جهان‌هاست).

مصراع دوم نیز اشاره دارد به آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»  
(البقرة: ۱۵۳) (همانا خداوند یاوران صابران است).

وَ آیه القاب رسول امجد  
یأتی من بعدی اسمه احمد  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۰)

wa āyay alqāb řasūl-e- amjad / yatī men  
badī esmahū ahmad.

ترجمه: و به آیاتی که در آن‌ها لقب‌های رسول بزرگوار  
آمده است، مانند آیه شش از سوره صف که در آن عیسی (ع)  
به آمدن پیامبری بشارت می‌دهد که نامش احمد است.

مصراع دوم اشاره دارد به آیه «و اذ قال عیسی ابنُ مریم یا  
بنی اسرائیل اِنِّی رسولُ الله الیکم مُصَدِّقًا لِمَا بَیْنَ یَدَیْ مِنَ التَّوْرَةِ  
و مَبشِرًا بِرَسُولٍ یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ» (الصف: ۶) (و یادآور  
هنگامی که عیسی پسر مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا  
رسول خدا به سوی شما هستم و حقانیت کتاب تورات را که  
مقابل من است، تصدیق می‌کنم و نیز شما را مژده می‌دهم که

ایات مذکور اشاره به جانشینی حضرت علی (ع) و واقعه‌ی غدیر خم دارد. پیامبر (ص) وصایت را برای علی (ع) رقم زده است، چنان که می‌فرماید: «إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا وَ وَارِثًا وَإِنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَ وَارِثِي» (بی‌گمان هر پیامبری وصی و وارثی دارد و علی، وصی و وارث من است). (تاریخ دمشق، ج ۴۲: ۳۹۲ به نقل از محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۹۷)

حضرت پیامبر (ص) در حجّه‌الوداع، در روز غدیر خم ضمن خطبه‌ای مفصل درباره‌ی علی بن ابیطالب (ع) او را مولای مردم دانست و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (ری‌شهری، ۱۳۸۶: ذیل مولی)

ملّاپریشان نیز در مورد جانشینی حضرت علی (ع) در غدیر خم سروده است:

وَ خَمِّ غَدِيرِ أَحْسَنِ الْبَشَرِ  
جِهَازِ شَتْرِ كَرْدِشِ وَ مَنْبَرِ  
دَسِّ عَلِيٍّ غَرْتِ وَاتَشِ بَرِ مَلَا  
«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا الْمَوْلَا»  
(ملّاپریشان، ۱۳۶۲: ۲۶)

wa xom-e- qadīr ahsan-ol- bašar / jehāz-e- šotor kardeš wa manbar,

das-e- 'alī gert wāteš barmaḷā / man konto māwlā fahāz-al- māwlā.

ترجمه: در غدیر خم پیامبر (ص) که احسن‌البشر است، جهاز شتران را منبر قرار داد و دست علی (ع) را گرفت و آشکارا گفت: هرکس که من مولای او بودم، پس علی (ع) مولای اوست.

مجموعه‌ی مخلوق و نَمِّ بی‌رأَمِنِ  
یا ساقی کوثر میل شفا مَن  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۶)

ولایت). متن آیه چنین است: «أَمَّا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا، الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (المائدة: ۵۵) (ولی‌امر و یاور شما خدا و رسول او و آن مؤمنانی خواهند بود که نماز به پای داشته و به فقیران در حال رکوع، زکات می‌دهند).

منشی چوار کتاو، مفتی چوار دفتر  
وصی مصطفی، وکیل داوَر  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۲)

monšī čwār ketāw moftī čwār daftar / wasī mostafā wakīl-e- dāwar.

ترجمه: منشی چهار دفتر، فتوادهنده‌ی چهار دفتر و نیز وصی مصطفی و وکیل داوَر [علی است].

و در جایی دیگر:

یا وصی رسول سرخیل ابرار  
یا لافتی سیف الا ذوالفقار  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۶۸)

yā wasī řasūlī sar xayl-e- abrār / yā lā fatā sayf elā zolfaqār.

ترجمه: ای وصی رسول و ای سرخیل ابرار؛ یا لافتی سیف الا ذوالفقار [در شأن تو آمده است].

نیز:

یا خلیفه حَقِّ رُویِ خَمِّ غَدِيرِ  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۷۱)

yā xalīfay haq rūy xom-e- qadīr.

ترجمه: ای خلیفه بر حق در روز غدیر خم!

ترجمه: [علی (ع)] حکم بر آفتاب آسمان کرد و آن برگشت به جای ظهرش، و او نمازش را ادا کرد. چه کسی بود که در گهواره، گلوی «حیه» را شکافت؟ چه کسی بود که آفتاب را از غروب گاهش برگرداند؟

ردالشمس: یکی از فضایل مشهور و قطعی امیرالمؤمنین (ع) آن است که خورشید به خاطر آن حضرت بازگشته است؛ یک بار در زمان پیامبر، بار دیگر پس از وفات آن حضرت. وقتی جبرئیل بر پیامبر نازل شد و در انتقال سخنان خداوند با او به نجوا نشست، پیامبر از حال رفت، سر پیامبر بر زانوی علی (ع) بود تا آن که خورشید غروب کرد. علی (ع) نشسته و با اشاره نماز عصر را خواند. وقتی به حال عادی برگشت، علی (ع) قضیه را به حضرت گفت. به توصیه‌ی پیامبر، حضرت امیر دعا کرد تا خورشید برگردد تا بتواند نمازش را ایستاده بخواند حضرت دعا کرد، خورشید برگشت و پس از نماز امام، دوباره غروب کرد. یک بار دیگر هم هنگام عبور از فرات که یارانش مشغول عبور دادن مرکب‌ها و وسایل بودند، عده‌ای نتوانستند نماز عصر را با حضرت بخوانند، به دعای حضرت، خورشید برگشت و آنان نماز عصر را با امام خواندند و خبر آن قضیه در همه‌جا پخش شد. (محدثی، ۱۳۸۶: ذیل ردالشمس)

حضرت علی (ع) فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَدَّ عَلَيَّ الشَّمْسَ مَرَّتَيْنِ وَلَمْ يَرُدَّهَا عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْ أُمَّةٍ مُّحَمَّدٍ (ص) غیری» [خداوند- که خجسته و والاست- خورشید را دو بار برای من برگرداند و بجز برای من، برای هیچ کس از اُمت محمد (ص) خورشید را برنگرداند]. (الخصال: ۵۸۰ به نقل از محمدی ری شهری، همان، ج ۱۲: ۱۰-۱۱)

قسیم جنت نار و سقری  
ژ پیغمبران یک سر او سری  
غیر ژ مصطفی انبیای اطهار

majmūey maxlūq wanem bē fāman / yā sāqī  
kawsar mayl-e- šafāman.

ترجمه: مجموعه‌ی مخلوقان نسبت به من نامهربان و بی‌رحم هستند؛ امید خلاصی من به توست ای ساقی کوثر!

باز از اوست:

دشوارتر نین ژ قاپی خیر  
یا غوث الغالب یا ساقی کوثر  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۶۹)

došwārter nīyan ža qāpī xaybar / yā qaws-  
oī- qāleb yā sāqī kawsar.

ترجمه: [خلاصی من از زندان] دشوارتر از کندن در خیر که نیست؟ یا غوث الغالب و ای ساقی کوثر [به فریادم برس].

ساقی کوثر: در حدیثی، پیامبر خدا پنج ویژگی برای علی (ع) برشمرده است، یکی هم ایستادن کنار حوض کوثر و سیراب نمودن کسانی است از اُمت که بشناسد: «أَمَّا الثَّالِثَةُ فَوَاقِفٌ عَلَى عُنُقِ حَوْضِ يَسْقِي مِنْ عَرَفَ مِنْ أُمَّتِي» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه.ق. ج ۳۹: ۲۱۹)

حکم آفتاو نه روی سما کرد  
چی او برج ظهر نماز ادا کرد  
کی نه مهد حلقوم حیه شکاوا  
کی چرخاوه خور ژ خورآوا؟  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۷)

hokm-e- āfetāw na rūy samā kard / čī āw berj  
zor namāz adā kard?

kī na mahd hoīqūm hayah šekāwā / kī  
čarxenāwa xwar ža xwarāwā?

خلوتی رازان مخفی کردگار  
هل اتی خلعت، لافتی اوصاف  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۵۸)

شیر شجاعت معرکه مَصاف  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۶۲)

hal atā xālat lā fatā āwsāf / šēr-e- šojāat  
ma'rekay masāf.

ترجمه: ای که از جانب خداوند به دریافت خلعت «هل اتی» مفتخر شدی و عبارت «لافتی» در وصف تو گفته شده است و شیر شجاعت میدان نبرد هستی.

هل اتی: مراد **سوره ۷۶** قرآن است که نام‌های دیگری چون «انسان»، «دهر» و «ابرا» دارد. در پی نذری که علی (ع) و فاطمه (س) برای شفای دو فرزند بیمار خود (امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)) کردند تا سه روز روزه بگیرند. هنگام افطار در سه روز پیاپی، مسکین و یتیم و اسیر به در خانه آنان آمد و ایشان افطار خود را به آنان ایثار کردند. این سوره در پی این اتفاق خالصانه آن دو بزرگوار و تجلیل از آنان نازل شد. **(برای آشنایی بیشتر رک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۸، ج ۲۵: ۳۴۳ و نیز محدثی، ۱۳۸۶: ذیل هل اتی)** اینک متن آیات هفت تا نه که به

این موضوع تصریح دارد، ذکر می‌شود: «يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْمَعُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِاتْرِيدَ مِنْكُمْ جِزَاءً وَلَا شُكُورًا» (که آنان بندگان نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شرّ و سختی‌اش همه اهل محشر را فرا گیرد و می‌ترسند و هم بر دوستی خدا به فقیر و یتیم و اسیر طعام می‌دهند (و می‌گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم).

وَ نَجَاتِ ذَاتِ بِيْهِمَاتِيْ بِيْ چُون  
وَ حَقِّ آيَةِ «قُلْ يَا نَارُ كُونِ»  
(ارکوازی، همان: ۷۲)

qasīm-e- jannat nār-o- saqarī / ža  
payqambarān yak sar āw sarī,

qayr ža mostafā anbīyāy athār / xāfwatī  
fāzān maxfi āšekār.

ترجمه: تو قسیم بهشت و دوزخ هستی و غیر از حضرت محمد مصطفی (ص) که همراز خلوت خداوند است، بر تمام پیامبران برتری داری.

قسیم الجنة و النار: از لقب‌های معروف حضرت علی (ع) است؛ یعنی تقسیم‌کننده بهشت و جهنم. در این مورد حدیث‌های بسیاری وجود دارد و آن حضرت با این وصف، مشهور بوده است و معنای آن، تأثیر محبت و ولایت علی (ع) در بهشتی شدن مردم در روز قیامت است (محدثی، همان: ذیل قسیم الجنة و النار).

شاعر در جایی دیگر نیز سروده است:

یا قسمت‌نمای جحیم و جنت  
أنا فتحننا ابواب رحمت  
(ارکوازی، ۱۳۸۶: ۶۲)

yā qesmat nemāy jahīm-o- jannat / ennā  
fatahnā abvāb-e- řahmat.

ترجمه: ای قسمت‌کننده و صاحب اختیار بهشت و دوزخ و ای که آیه «أنا فتحننا» [در باب پیروزی‌های تو نازل شده است]؛ تو گشاینده درهای رحمت [به روی ما و دوستانان خود] هستی.

### یادداشت

۱ در زبان کُردی، در شعرهایی که به صورت هجایی سروده شده‌اند، بلند یا کوتاه بودن هجا مدنظر نبوده و تنها تساوی هجاها مورد توجه قرار می‌گیرد. نکته‌ی دیگر این‌که، مصراع اول بیت مطلع، به صورت نیم مصراع و در پنج هجا سروده می‌شود؛ این ویژگی، مختص تمام منظومه‌هایی است که به گویش گورانی- گویش ادبی معیار نزد کُردان- سروده شده‌اند. در نزد شاعران کُرد، رسم بر این بوده است که مصراع اول بیت مطلع را به شکل «نیم مصراع» می‌آوردند و آن نیم مصراع- و یا حداقل قافیه - را به جهت تأکید، عیناً در مصراع دوم تکرار می‌کردند.

wa nejāt-e- zāt bē hamtāy bē cūn / wa haq-  
e- āyay qol yā naro kūn.

ترجمه: خداوندا به حق ذات بی‌همتا و بی‌نظیرت، و به حق آیه «قل یا نارُ کون» که آتش را بدان امر کردی تا بر ابراهیم سرد و سلامت شود.

قل یا نارُ کون: منظور آیه ۶۹ سوره انبیاء است که می‌فرماید: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (ما خطاب کردیم که ای آتش برای ابراهیم سرد و سالم باش).

### ۳. نتیجه

با توجه به آنچه از نظر گذشت، شاعر به صورت‌های گوناگون از جمله اقتباس، ترجمه و برآیندسازی از آیات و احادیث در سروده‌های خود بهره برده است. علاوه بر این، او ضمن مناجات به درگاه حضرت حق، تلمیح به داستان پیامبران و به صورت ویژه کرامات و دلاوری‌های حضرت مولا علی (ع) را از نظر دور نداشته است. بسامد استفاده از آیات و احادیث در اشعار شاعر چشمگیر و از آن‌جایی که در زندان آن‌ها را سروده است، از ضمیر پاک او سرچشمه گرفته‌اند و تعقید و پیچیدگی در به‌کارگیری آن‌ها دیده نمی‌شود. پایان سخن این‌که تأثیر قرآن و حدیث بر شعر غلام‌رضاخان ارکوازی سبب شده است تا امروزه سروده‌های این شاعر شیعی، زبانزد خاص و عام مناطق غرب کشور باشد.

## فهرست منابع

– ملاً پریشان (۱۳۶۲). **دیوان**، به تصحیح و اهتمام اسفندیار

غضنفری امرایی، خرم‌آباد: کتاب‌فروشی رشنو.

## – قرآن کریم.

– ارکوازی، غلام‌رضاخان (۱۳۸۶). **دیوان**، تصحیح و ترجمه و شرح از ظاهر سارایی، چاپ دوم، ایلام: رامان.

– امامی، نصراله و سید آرمان حسینی آبیاریکی (۱۳۸۹).

«گوش گورانی: گویش معیار ادبی در نزد اقوام کُرد»،

**مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی**

**ادبیات کُردی (۱۵ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۹)**.

دانشگاه کُردستان: مرکز پژوهش‌های کُردستان‌شناسی، ص

۳۴۷-۳۳۵.

– خاتمی، احمد (۱۳۸۷). **ترجمه و تکمله و بررسی**

**احادیث مثنوی استاد بدیع‌الزمان فروزانفر**، چاپ

دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

– خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۵). **حافظ‌نامه**، دو جلد، چاپ

هفدهم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

– راستگو، سید محمد (۱۳۸۵). **تجلی قرآن و حدیث در**

**شعر فارسی**، چاپ چهارم، تهران: سمت.

– فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۴۷). **احادیث مثنوی**، تهران:

امیرکبیر.

– قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۵). **قاموس قرآن**، چاپ هفتم،

تهران: دارالکتب الاسلامیه.

– قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۶۳). **سفینه‌البحار و مدینه**

**الحکم و الآثار**، تهران: بی نا.

– قمی، حاج شیخ عباس (۱۳۷۷). **کلیات مفاتیح‌الجنان**،

با ترجمه و تصحیح محمدباقر کمره، تهران: اسلامیه.

– مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ هـ.ق). **بحارالانوار**، بیروت:

موسسه الوفاء.

– محدثی، جواد (۱۳۸۶). **فرهنگ غدیر**، چاپ سوم، قم:

نشر معروف.

– محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). **دانش‌نامه‌ی**

**امیرالمؤمنین**، ۱۴ جلد، قم: دارالحدیث.

– مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). **تفسیر نمونه**، با همکاری

محمد رضا آشتیانی و دیگران، چاپ سوم، تهران: اسلامیه.